

# سایه روشن های سیاسی در بحث همراهان جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لائیک ایران

محسن مقصودی

یکشنبه 13 سپتامبر، فرصتی پیش آمد تا در نشست پالتالکی جنبش، برخی از همراهان به ابراز نظر در مورد مسائل سیاسی جاری و حاد کشورمان پردازند و یا حداقل ابهامات شان را در قالب سئوالاتی بیان کنند. این نشست مفید آن قدر بود تا در انتهای این گردهمآئی مجازی اکثریت همراهان به این گزینه برسند که می بایست این گفتگوها برای درک و فهم روند های سیاسی در کشورمان و پیرآمون آن، ادامه یابد.

مهمترین موضوعی که به جوانبی از آن پرداخته شد گسترده ترین اعتراضات مردم ایران به تقلب های سنگین انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری و قیام میلیونی مردم علیه دیکتاتوری حاکم بر کشور بود.

درمباحث این نشست سه موضع برجسته بود. اولین نظری که مطرح شد تاکید داشت از آنجا که بیانیه های جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لاییک مسئله عبور از جمهوری اسلامی را مطرح می کنند، جنبش و فعالان آن تنها می توانند با کسانی و یا جریاناتی که در این لحظه تنها بر شعار سرنگونی تکیه دارند همکاری کنند و باید از کل آنچه که جنبش سبز نام گرفته فاصله بگیرند. این نظر بر آن است که فعالان جنبش جمهوری خواهی که خود را زیر پرچم سبز تعریف می کنند، با توجه به مواضع آقای موسوی و اصراروی بر اسلامی بودن حرکت و آرمان اسلام ناب محمدی، دچار تناقض هستند و عملاً روی دو صندلی نشسته اند.

موضع دومی که برخی از همراهان اگرچه با طرح سوال و یا بطور غیر مستقیم و غیر شفاف بیان کردند بر این نظرات استوار بود که جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لاییک موضع سیاسی خاصی ندارد و یا نتوانسته این مواضع را اتخاذ کند و در صحنه سیاسی کشور موضع گم و گنگی دارد. نباید این جنبش سبز را برای منزه ماندن با تحقیر نگاه کنیم و می توانیم در آن حضور موثر داشته باشیم. ما از این تحول بزرگی

که در جامعه اتفاق افتاده تا حد مطلوبی درس نگرفته ایم و در داشتن استعداد درس گرفتن از آن هم شک هست.

در کنار این دو نظر، بیشتر سخن گویان در نشست پالتاکی بر نکاتی اشاره کردند که در صورت تدقیق آن ها می توانند بیان کننده موضع عمومی جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لاییک باشد. رئوس این نظرات چنین اند:

- جنبشی که در ماه های اخیر حول مسئله آزادی انتخابات و اعتراض به تقلبات و دیکتاتوری "ولی فقیه" بوجود آمده است در راستای تلاش بزرگ مردم کشورمان برای دستیابی به حقوق شهروندی درسال های بعد از انقلاب است؛

- رژیم جمهوری اسلامی که می خواست مشروعیت خودش را از انتخابات کسب کند، با افشای تقلبات بی کران و اثبات انحصار قدرت، در نزد عموم مردم کشور و جهان، بکلی عاری از مشروعیت و قانونیت شد؛

- شکاف عظیم و عمیقی در داخل حاکمیت و در میان اصلاح طلبان بطور جبران ناپذیری بوجود آمده است که زمینه های بسیار گسترده ای برای فروپاشی رژیم بوجود آورده است؛

- بطور بی سابقه ای توهم و فکر سازگاری اسلام سیاسی با مرم سالاری که در ذهن بسیاری از اصلاح طلبان وجود داشت فرو ریخته ، راه برای تفکر سکولار و لاییک گشوده شده است. از این رو می توان بحث های نظری مبنی بر ضرورت جدائی دین از حکومت را گسترش و ژرفا داد؛

- گستره جنبش اعتراض مردم آنقدر بزرگ است که هر شخص با آرمان های آزادی خواهی می تواند خود را درون این جنبش ببیند. بنابراین می توان به ائتلاف های جدید دست یافت.

ما از این جنبش دفاع می کنیم و بر مبنای مضمون مبارزاتی که در طی دهه های گذشته صورت گرفته است، تبلیغ آن را از وظایف خود می دانیم. ولی نباید فراموش نمود که این جنبش تنها به امید سبز آقای موسوی محدود نیست. ما برحق شهروندی سلب شده هر فرد از جمله آقایان موسوی و یا کروی می تاکید می کنیم. اما دفاع از پایدوران جنبش سبز امید و اصلاح طلبان نباید به تقلیل گرائی در شعارهای ما بیانجامد. جنبش مردم کشورمان خصلتی گثرت گرا دارد و دارای رهبری واحدی نیست. اشتباه است که جنبش بزرگ آزادی خواهی مردم را که سال هاست به پایداری نهاد های مدنی دانشجویان، کارگران، زنان و احزاب

و سازمان‌ها ادامه داشته است و برای خواست‌های آزادی و عدالت تا پای جان ایستاده است را با جنبش سبز اصلاح‌طلبان دینی یکی بنامیم. انحصارگرایی در جنبش آزادی‌خواهانه مردم ایران و یکدست کردن آن زیر شعارهایی همچون ( سبز سبز بودن ) یا ( جمهوری اسلامی نه یک کلمه کم و نه یک کلمه زیاد ) و یا ( رهبری پیام‌محور )، زیان‌بارند؛

– ولایت مطلقه فقیه آشکارا تبدیل به مرکز و محور ارتجاع شده است. به همین رو است که شعار "مرگ بر دیکتاتور" به شعار محوری جنبش اعتراضی مردم تبدیل گردیده است. خواست مردم برای تامین حقوق اولیه بشر می‌تواند مبنائی برای ائتلاف‌های سیاسی قرار گیرد؛

– پایه‌های حکومت تا امروز هیچ‌گاه چنین ضعیف نبوده است. در این شرایط نیروهای سکولار و لایک برای پیش‌برد جنبش ضد استبداد دینی مردم می‌بایست نقش موثرتری بعهده بگیرند و در کارزارهای داخل و خارج از کشور، ضد حاکمیت ارتجاع شرکت کنند و از اشکال و شیوه‌های نوینی که از دل اعتراضات بدرآمده است برای ارتباط بیشتر با توده مردم و برجسته کردن صدای آزادی‌خواهان لایک، بهره‌برند.

در مورد فعالیت جنبش جمهوری‌خواهان دمکرات و لایک نیز بر پایه این نظرهای سه‌گانه، سه دیدگاه مطرح شدند.

دیدگاه اول معتقد است که این طرف جنبش قادر نیست حرکت‌های اعتراضی مردم را که می‌بایست رادیکال‌تر شوند در خود جای دهد و می‌بایست تنها به سازماندهی آن مجموعه‌ای پرداخت که در حال حاضر خواهان عبور از کل جمهوری اسلامی است و وظیفه خودش را رادیکالیزه کردن هرچه بیشتر مبارزات مردم می‌داند.

دیدگاه دیگر ابراز می‌داشت که بود و نبود جنبش در کار مبارزه مردم ایران تاثیری ندارد. جنبش را از لحاظ سازمانی عقب مانده با دیدی متفرعانه می‌داند که با وجود نقدش از تشکل‌های سنتی، به همان مسیر می‌رود. ادامه این وضعیت را انزوای بیشتر جنبش می‌داند و راه حل را شرکت در شبکه‌های سبز و تلاش برای به "گروگان" گرفتن موسوی توسط مردم و از این طریق حضور موثر در جنبش ضد استبداد دینی و همگامی با نیروهای اصلاح‌طلب دینی در جمهوری اسلامی می‌بیند.

( بی‌شک کم‌کاری‌ها در جنبش در بستر همین باورها ریشه دارد )

دیدگاه سومی که در نشست مطرح گردید بر این واقعیت استوار است که

کل جنبش آزادی خواهانه مردم ایران خصلتی کثرت گرا دارد و این امر در مورد جنبش سبز نیز صادق است و فردی نمی تواند منکر آن گردد. از این رو جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لاییک که از روز نخست ساختاری غیر متمرکز و کثرت گرا داشته است اتفاقا مجموعه مناسبی برای تشکل آزاد باورمندان به اصول جمهوری و مردم سالاری و جدائی دین از حکومت می باشد.

آنچه مانع ارتباط جنبش با توده مردم می گردد نه شکل ساختاری آن و یا حتی کمبود امکانات فنی و مادی ، بلکه نبود اراده، انگیزه و نیروی لازم برای آن است. این ضعف می تواند با زدن پلهائی با نیروهای جوان و با انگیزه هائی که از دل جنبش مردم بدرمی آیند برطرف شود. باید به راه و روش های نوین و ابتکاری کار سیاسی مجهز شد. با موج و نسل جدید آزادی طلبان ارتباط محکم برقرار نمود. تنها بر روابط سنتی تکیه نکرد و تفاوت ها را پذیرفت تا بتوان کار مشترک را پیش برد. دیالوگ و گفتگو و کار مشترک را در پیش گرفت و سازمان داد و از این راه ساختارتنوع پذیر جنبش جمهوری خواهی را انکشاف داد. اصول و روش های کار دمکراتیک را در ارتباط با مردم بهبود داد و به تعمیم و تکمیل آن یاری نمود. این روش ها می توانند به انباشت تجربه نهاد های مدنی برای ارائه الگو های ساخت جامعه مدنی مبتنی بر حقوق شهروندی بسیار مفید واقع شوند.

از این رو تقویت و گسترش جنبش جمهوری خواهان دمکرات و لاییک در راستای تعمیق و توسعه مبارزه جمعی و دمکراتیک مردم در ایران است.